

چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات زنان بر تأخیر در فرزندآوری: نتایج یک مطالعه کیفی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران

حجیه بی بی رازقی نصرآباد^۲

چکیده

سؤال اساسی مقاله این است که چگونه تحصیلات، زمان فرزندآوری زنان ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. داده‌های مورد نیاز برای این مطالعه با رویکردی کیفی و به‌کارگیری مصاحبه عمیق با ۲۵ دانشجوی زن ازدواج کرده در شهر تهران در سال ۱۳۹۳ جمع‌آوری شد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد: زنان دانشجو به دلیل صرف زمان طولانی از وقت برای فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی، مشکلات انجام همزمان نقش دانشجویی و مادری و مسائل مالی و اقتصادی که در ابتدای ازدواج با آنها مواجه هستند، فرزندآوری را با تأخیر آغاز می‌کنند. تحصیلات، دانش و توانمندی زنان در زمینه تنظیم باروری و به‌کارگیری روش‌های مؤثرتر را ارتقا بخشیده است. همچنین تأخیر در فرزندآوری با این حقیقت مرتبط است که زنان با تحصیلات بالاتر، قدرت تصمیم‌گیری بالاتری درون خانواده در مورد زمان فرزندآوری، فاصله موالید و تعداد فرزندان دارند.

واژگان کلیدی: تحصیلات، تأخیر، تولد اولین فرزند، دانشجویان و زنان

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره بیستم • پاییز ۹۵ • صص ۱۹۰-۱۶۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۴/۵

۱. این پژوهش با حمایت مالی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.
۲. استادیار جمعیت‌شناسی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
(hajjiih.razeghi@psri.ac.ir)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تغییر در سطح جهان، افزایش سطح تحصیلات است. پیوند میان سواد و آموزش و بالا رفتن سطح آگاهی‌های عمومی، به‌ویژه در میان زنان و تأثیر آن بر سطح و کیفیت فرزندآوری در مطالعات مختلف به اثبات رسیده است. تحلیل‌ها حاکی از این نکته است که زنان باسواد، دیرتر ازدواج می‌کنند، با فاصله بیشتری از ازدواج به اولین تولد می‌رسند و فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورند. مطالعات مختلف در ایران نیز هماهنگی این موضوع را با سطح فرزندآوری نشان داده‌اند. افزایش سطح سواد در جامعه باعث افزایش سطح آگاهی‌های عمومی می‌شود، افراد به‌ویژه در معرض ایده‌های جدید مرتبط با جمعیت و باروری و بهداشت باروری و غیره قرار گرفته و امکان بهره‌گیری از فناوری‌ها و دستاوردهای جدید بیشتری در این زمینه دارند.

در ایران دسترسی زنان به تحصیلات، هم در مناطق شهری و هم روستایی افزایش یافته است. به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی بسیاری از جنبه‌های سیستم آموزشی در ایران (نظیر تعداد و نوع مدارس، طول دوره آموزش، تعداد دانش‌آموزان و معلمان و...) تغییرات اساسی داشته است. تعداد دانشگاه‌ها در ایران افزایش یافته، سیستم آموزشی نیمه‌وقت و راه دور و غیرحضوری و مجازی، غیرانتفاعی و خصوصی در کنار دانشگاه‌های دولتی، دسترسی افراد به آموزش را بالا برده است. آموزش در سه دهه اخیر به‌عنوان یک نیاز عمومی مطرح شده و دسترسی افراد، به‌ویژه زنان به تحصیلات بیشتر از دهه‌های پیشین شده است.

تغییرات اقتصادی اجتماعی و بستر نهادی جامعه ایران، تغییراتی را در جنبه‌های مختلف زندگی افراد ایجاد کرده است. کاهش تعداد فرزندان، تغییر در زمان فرزندآوری و افزایش فاصله بین موالید، از جمله تغییراتی است که طی سه دهه اخیر به وقوع پیوسته است. روند تحولات باروری در ایران نشان می‌دهد که میزان باروری کل از ۷ تولد برای هر زن در سال ۱۳۵۸ به ۲/۱ در سال ۱۳۷۹ و حدود ۱/۹ تولد در سال ۱۳۸۵ و ۱/۸ تولد در

سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (Abbasi-Shavazi et al., 2009). داده‌های طرح سلامت و جمعیت در سال ۱۳۷۹ حکایت از این دارد که تأخیر اندکی در تولد اولین فرزند وجود داشته و زنان با فاصله‌ای حدود ۲/۷ سال فرزند اول خود را به دنیا می‌آوردند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۹). در سال ۱۳۸۹ فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند افزایش یافته و به ۳/۵ سال رسیده است (Hosseini Chavoshi et al., 2013).

با وجود اینکه تمایل برای پدر و مادر شدن، انگیزه‌ای است که در جامعه ایران عمومیت دارد، امروزه زوج‌های جوان برای رسیدن به این هدف، با شتاب وارد مرحله پدر و مادری نمی‌شوند. در حال حاضر زنان به وسایل پیشگیری و فناوری‌های باروری زیادی دسترسی دارند که آنها را قادر ساخته تا کنترل بیشتری روی حیات باروری خود داشته باشند و تصمیم بگیرند در چه بستری و چه زمانی فرزند داشته باشند. در واقع فرزندآوری تأخیری به‌عنوان هنجاری جدید در بین زنان ازدواج کرده در کوهورت‌های اخیر نمود یافته و افراد تمایل دارند با تأخیر در فرزندآوری، این هماهنگی را بین حوزه‌های مختلف زندگی ایجاد کنند. مطالعاتی که در زمان ازدواج و زمان تولد اولین فرزند در ایران انجام شده، نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات، مهم‌ترین تعیین‌کننده زمان وقوع این پدیده‌ها هستند (Abbasi-Shavazi et al., 2009; Torabi and Baschieri, 2011؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۹). این یافته‌ها مشابه با سایر تحقیقات در سطح جهان نشان می‌دهد که دسترسی بیشتر زنان به تحصیلات، عامل اساسی تأخیر در زمان تشکیل خانواده و فرزندآوری است. تحصیلات بالاتر به شیوه‌های گوناگون بر تأخیر در فرزندآوری تأثیر دارد. تحصیلات علاوه بر اینکه سال‌های طولانی فرد را در محیط دانشگاه و مدرسه مشغول می‌کند، می‌تواند بر دیدگاه‌ها و نگرش‌های فرد در مورد زمان ازدواج، زمان فرزندآوری، تعداد فرزندان و فاصله بین موالید و تصمیمات و برنامه‌ریزی در سایر حوزه‌های زندگی اثر بگذارد. سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که چگونه تحصیلات زمان فرزندآوری زنان ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است.

۱. مبانی نظری و تجربی

طبق نظر ادواردز (۲۰۰۲)، آموزش و تحصیل از لحاظ نظری می‌تواند چندین نوع تأثیر احتمالی روی رفتارهای باروری داشته باشد: نخست اینکه زنان تحصیل کرده دسترسی بیشتری به منابع اطلاعاتی دارند. این عامل باعث کنترل بیشتر آنها بر دوره‌های باروری

می‌شود. بسیاری از زنان معتقدند که نقش دانشجویی و مادری با یکدیگر ناسازگارند و یا حداقل داشتن هر دو نقش به‌طور همزمان نامطلوب است (Edwards, 2002: 425). به عبارت دیگر، زنان تحصیل و پدر و مادری را به‌عنوان دو مرحله مختلف مسیر زندگی می‌بینند که سلسله‌مراتبی هستند، بنابراین تحصیلات بیشتر ممکن است به سادگی باعث افزایش سن ازدواج، سن فرزندآوری و کاهش باروری شود. تحقیقات بسیاری بر ناسازگاری نقش بر حسب تحصیل و فرزندآوری تأکید کردند (Rindfuss, 1983; Hirschman, 1985; Kravdal, 1994). فرزندآوری و تربیت فرزند با هزینه‌هایی شامل منابع اقتصادی، هزینه فرصت برای پرورش فرزند مرتبط است. برای مثال هزینه‌های داشتن یک فرزند دیگر برای زنانی که تحصیلات بالاتری دارند بیشتر است، چراکه این افراد آمادگی و انتظار راه یافتن به بازار کار را دارند. روش دومی که آموزش ممکن است باعث شود که فرزندآوری با تأخیر صورت پذیرد، زمانی است که زنان تحصیلات را یک سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی می‌دانند (Edwards, 2002: 426). زنان ممکن است به دانشگاه به‌عنوان یک جهت‌یابی سرمایه‌گذاری توجه کنند، مطمئناً گذشت زمان در دانشگاه فرصت‌های شغلی بیشتری را خلق می‌کند. این تعبیر سرمایه‌گذاری، انتظارات شغلی را منعکس می‌کند و بنابراین زنان برای دستیابی به این انتظارات و اهداف، از نیات خود دست کشیده و باروری کمتری را تجربه کنند. طریق سومی که تحصیلات ممکن است بر زمان فرزندآوری تأثیر بگذارد، اشتغال است. به‌طور کلی دانشگاه ممکن است هم‌زمانی را که آمادگی داشتن انتظارات شغلی بالا دارند را انتخاب کند و هم انتظارات شغلی بالاتر را خلق کند. چنین انتظاراتی مادامی که زنان به این اهداف شغلی برسند، به تأخیر در فرزندآوری منجر می‌شود.

طبق نظر کوچران^۱، تحصیلات زنان با نگرش‌های مثبت‌تر نسبت به کنترل موالید، آگاهی بیشتر در مورد جلوگیری از بارداری و ارتباط بین زن و شوهر رابطه مثبت دارد. هاثورن^۲ اظهار می‌دارد که در تمامی جوامع، آگاهی از کنترل موالید با سابقه یا اقامت شهرنشینی، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بر متغیرهای تبیینی دیگر، نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده،

1. Cochrane
2. Hawthorn

هزینه‌ها و منافع فرزندان تأثیر قابل توجهی دارد (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۱۵). ویکس (۱۳۸۵) معتقد است: تحصیلات بهترین سرخ در مورد نگرش فرد راجع به تولید مثل است. افزایش سطح تحصیلات با نخستین پیش شرط کول برای کاهش باروری، یعنی داشتن حق انتخاب منطقی، همبستگی دارد. از طرف دیگر افراد تحصیل کرده‌تر عامل تغییر جامعه و اشاعه نوآوری در زمینه تحدید موالید هستند. زنان تحصیل کرده برای درگیر شدن در الگوهای رفتاری جدید و نو بیشتر متمایل هستند و دانش بیشتری درباره روش‌های پیشگیری و منبع دریافت روش دارند. آنها همچنین از روش‌های پیشگیری مؤثرتری نیز استفاده می‌کنند (Martin & Juarez, 1995).

مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که افزایش سطح تحصیلات با تأخیر در فرزندآوری مرتبط است (Rao, 1987: 28; Giles et al., 2009: 1220; Simpson, 2009: 25). هوم (۱۹۸۶) توضیح می‌دهد که رفتار فرزندآوری با دو بعد جدید تحصیلات مرتبط است: رشته تحصیلی و جنبه‌های ساختاری سیستم آموزشی. به نظر آنها تحصیلات به چند طریق فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد: ۱. ساختار سیستم آموزشی و انعطاف‌پذیری آن، ۲. الگوهای جنسیتی رشته تحصیلی، ۳. پیوند بین بازار کار و آموزش از طریق امنیت شغلی، محتوا و چشم‌انداز شغلی و ابعاد جنسیتی کار برای گروه‌های مختلف شغلی و ۴. هنجارها و ترجیحات اجتماعی مرتبط با فرزندآوری و تحصیلات. هوم و همکاران (۲۰۰۶: ۳۴۷-۳۳۷) رفتارهای باروری را بر حسب تحصیلات و رشته تحصیلی در میان زنان متولد شده در سوئد مطالعه کردند. به این دلیل که آنها از داده‌های ثبتی استفاده کردند، قادر بودند تفاوت در زمان فرزندآوری را در میان حدود ۶۰ رشته تحصیلی تحلیل کنند. آنها نشان دادند که نه فقط سطح تحصیلات، بلکه رشته تحصیلی در تصمیمات باروری اهمیت دارد. زنان سوئدی که برای مشاغل آموزش و بهداشت در هر سطح تحصیلی تحصیل می‌کنند و یا در این مشاغل اشتغال دارند، نسبت به سایر رشته‌های آموزشی در فاصله کوتاه‌تری به تولد اول می‌رسند.

هیرشمن (۱۹۸۵) اهمیت عوامل اقتصادی - اجتماعی را در زمان ازدواج و اولین تولد آزمون کرد. او به این نتیجه رسید که در میان عواملی نظیر هم دوره بودن، محل سکونت، سال‌های تحصیل، وضعیت اشتغال و شغل همسر، تحصیلات زنان به‌عنوان مهم‌ترین عامل

تفاوت سن در ازدواج و سن در اولین تولد است و سن در اولین ازدواج عامل مداخله کننده مهم در سن اولین تولد است. به طور کلی زنانی که در محیط‌های شهری رشد یافته‌اند، تحصیلات بالاتری دارند، در بخش‌های مدرن‌تر کار می‌کنند و همسران آنها موقعیت شغلی بالایی دارند، دیرتر ازدواج کرده و به دنبال آن دیرتر فرزند اول را به دنیا آورده‌اند. در ایران تعدادی از محققان فاصله ازدواج تا اولین تولد را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹b) با استفاده از داده‌های طرح انتقال باروری در ایران به استفاده زنان از وسایل پیشگیری قبل از اولین بارداری در چهار استان گیلان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و یزد پرداختند. نتایج مطالعه عباسی شوازی و همکاران نشان داد: در ایران به دلیل بستر اجتماعی جامعه که ازدواج زودرس را تشویق می‌کند و علاوه بر آن افزایش تحصیلات و استفاده از وسایل پیشگیری را نیز تأکید می‌کند، زنان تحت شرایط جامعه، ازدواج به نسبت زودرس را تجربه می‌کنند، اما درون ازدواج برای رسیدن به اهداف خود از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده نموده و پدر و مادری را به تأخیر می‌اندازند.

عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای الگوها و عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد: یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد فاصله بین ازدواج تا اولین تولد، افزایش سطح تحصیلات است. در میان افراد بی‌سواد، نسبت افراد دارای فرزند در یک سال پس از ازدواج بیشتر از گروه‌های دیگر است. احتمال رسیدن به تولد اول زنان با تحصیلات دانشگاهی نسبت به سایر افراد تا سه سال اول ازدواج کمتر است. با کنترل سن در اولین ازدواج و محل سکونت، نیز زنانی که بی‌سواد هستند، بالاترین ریسک نسبی وقوع اولین تولد را دارند. زنان با تحصیلات کمتر، احتمال دارد دانش محدودی از وسایل پیشگیری از بارداری داشته باشند. ریسک نسبی تولد اول برای زنان بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به ترتیب ۵۵/۸، ۳۹/۲، ۳۵ و ۱۹/۶ درصد بیشتر از زنان با تحصیلات دانشگاهی است. افراد با سطوح بالای تحصیلی، از آنجایی که سال‌های بیشتری را در مدرسه و یا در دانشگاه سپری می‌کنند، در فاصله بیشتری به اولین تولد می‌رسند.

مرور مطالعات نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات، مهم‌ترین تعیین کننده زمان وقوع این پدیده است. از این رو این مطالعه دیدگاه زنان در مورد چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات

بر زمان تولد اولین فرزند، را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. روش پژوهش

در این مطالعه در راستای شناخت تأثیر تحصیلات بر تأخیر در فرزندآوری، یک رویکرد کیفی که ویژگی اکتشافی دارد، مناسب است. روش نمونه‌گیری در این مطالعه، نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس بود. در مطالعه پیش‌رو ۲۵ زن دانشجوی بدون فرزند که بیش از دو سال از ازدواج آنها گذشته، انتخاب و مصاحبه شدند. موضوعات مورد بحث در مصاحبه عمیق شامل موارد زیر است: سن ازدواج، سن زن در هنگام مصاحبه، عملکرد فرد در مورد استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، شرایط لازم برای ورود به مرحله مادری، فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره، شیوه تصمیم‌گیری در تصمیمات باروری و نگرش در مورد فرزندآوری در حین تحصیل. معیارانتخاب شرکت‌کنندگان عبارتند از: ۱. زنان دانشجو و به‌طور داوطلبانه بدون فرزند باشند، ۲. حداقل به مدت دو سال زندگی مشترک خود را آغاز کرده باشند (زنانی که در دوره نامزدی و یا عقد به سر می‌برند برای این مطالعه مناسب نبودند) و ۳. موافقت با مصاحبه و در صورت لزوم ملاقات‌های مکرر.

پاسخگویان شامل دانشجویان دانشگاه‌های علامه، تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز هستند، دلیل انتخاب این دانشگاه‌ها نیز امکانات دسترسی آسان‌تر و ارتباط بیشتر محقق با این دانشگاه‌ها بوده است. مصاحبه با افراد تا اشباع نظری ادامه یافت، به‌طوری که پس از ۲۰ مصاحبه، مشخص شد که موضوع جدیدی استخراج نمی‌شود و موضوعات تکراری می‌شوند. با این حال برای اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا ۲۵ مورد ادامه یافت. نوع مصاحبه‌های انجام‌شده در این تحقیق، مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق است؛ درحالی که محورهای اصلی پرسش مشخص بوده و از قبل در مورد آن تصمیم‌گیری شده است، گاه با توجه به مباحث مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، ساختار پرسشنامه مصاحبه را تا حدی رها کرده و اجازه می‌دهیم تا پاسخگویان از تجربه خود سخن بگویند. در ابتدای مصاحبه پس از معرفی خود، هدف تحقیق برای افراد توضیح داده شده است. سپس ملاحظات اخلاقی که در این فرایند رعایت می‌شود، برای آنها شرح داده شد. برای تحلیل داده‌ها در این تحقیق که مشتمل بر مصاحبه‌های ضبط شده و دست‌نوشته‌های

شخصی است، از اصول تحقیق پدیدارشناسی استفاده شده است. اولین گام برای تحلیل این بود که عناصر زمینه‌ای که مخصوص هر فرد است در یک جدول مشخص شد. عناصر زمینه‌ای شامل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی افراد است. مطابق با روشی که ون مانن پیشنهاد می‌دهد، گام بعدی اجرای تحلیل درون‌فردی است. در این روش برای شناخت موضوعات اصلی، نوشته‌ها برای هر فرد به‌طور جداگانه تحلیل شد. پس از این مرحله، تحلیل میان‌فردی برای خلاصه موضوعات مشترک یا قابل مقایسه برای همه شرکت‌کنندگان اجرا شد. در مرحله آخر موضوعاتی که کمتر بیان شده بودند، تحلیل شدند.

طول مدت انجام مصاحبه به‌طور متوسط یک ساعت بوده است. در تمام موارد متن مصاحبه به پاسخگویان برگردانده شد و از آنها تقاضا شد مروری بر نوشته‌ها داشته باشند و در مواردی که نیاز به تصحیح داشت و یا فهم محقق از مصاحبه متفاوت با هدف و نیت پاسخگو بوده آن را روشن کنند. در تحقیق کیفی، محقق به‌عنوان ابزار اولیه جمع‌آوری داده، مسئولیت حفظ درستی و صحت داده‌ها را دارد. این درستی با ارجاع دست‌نوشته‌ها به پاسخگویان حاصل شد. کیفیت، مرتبط بودن و اشباع نسبی اطلاعات به‌دست آمده، تعداد مشارکت‌کنندگان و زمان مصاحبه با هر پاسخگو را تعیین کرد.

۳. یافته‌های پژوهش

در این مطالعه نمونه انتخاب شده شامل دانشجویان از دانشگاه‌های تهران، علامه و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز بودند. سن پاسخگویان بین ۲۱ تا ۳۳ نوسان داشته است. هفت نفر از پاسخگویان دانشجوی دوره دکتری، ۸ نفر کارشناسی ارشد و ۱۰ نفر دانشجوی دوره کارشناسی بودند. سن ازدواج پاسخگویان بین ۱۸-۲۸ سال نوسان دارد. هفت نفر بین سنین ۱۸-۲۲ سال، ۱۲ نفر بین ۲۳-۲۵ سال و ۶ نفر بالای ۲۵ سال ازدواج کرده‌اند. مدت زمانی که از ازدواج پاسخگویان می‌گذشت، به‌طور متوسط ۴/۵ سال بود. بر اساس وضعیت شغلی، ۱۲ نفر از زنان شاغل بودند که ۷ نفر از آنان تمام‌وقت و ۵ نفر به‌صورت نیمه‌وقت بودند. از بین سایر افراد دانشجو، ۴ نفر به‌صورت موقت با برخی اساتید دانشگاه‌ها در پروژه‌های تحقیقاتی همکاری داشتند.

جدول ۱. مشخصات جمعیتی زنان شرکت‌کننده در تحقیق

تعداد	مشخصات جمعیتی	
۷	۱۸-۲۲	سن
۸	۲۳-۲۵	
۶	۲۶-۲۹	
۴	۳۰ و بالاتر	
۷	شاغل تمام‌وقت	وضعیت اشتغال
۵	شاغل نیمه‌وقت	
۱۳	دانشجو	
۱۰	کارشناسی	وضعیت تحصیلات
۸	کارشناسی ارشد	
۷	دکتری	
۷	۱۸-۲۲	سن در اولین ازدواج
۱۲	۲۳-۲۵	
۶	+۲۵	
	۲۵	کل

در مصاحبه عمیق ابتدا در مورد پیش‌شرط‌های فرزندآوری از شرکت‌کنندگان سؤالاتی شد، سپس به موضوع اصلی مقاله که سازوکار تأثیرگذاری تحصیلات بر زمان فرزندآوری است، پرداخته شد. تحلیل یافته‌های مصاحبه عمیق با دانشجویان در خصوص زمان فرزندآوری نشان می‌دهد: زنان دانشجو به دلیل صرف زمان طولانی از وقت برای فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی، مشکلات انجام همزمان نقش دانشجویی و مادری و مسائل مالی و اقتصادی که در ابتدای ازدواج با آنها مواجه هستند و همچنین با اتکا به ارتقای دانش و توانمندی در زمینه تنظیم باروری و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در محیط خانواده که از طریق افزایش سطح تحصیلات و حضور در محیط دانشگاه برخوردار شده‌اند، فرزندآوری را با تأخیر آغاز می‌کنند.

این مضمون حاصل هفت درون‌مایه فرعی مشتمل بر افزایش هزینه‌های زندگی دانشجویان، ناسازگاری نقش دانشجویی با نقش مادری، فراهمی نقش‌های جایگزین، یادگیری ایده‌ها و شیوه‌های زندگی جدید، افزایش دانش در مورد کنترل باروری، استقلال در تصمیم‌گیری و رشد فردی و کمال‌طلبی است و این درون‌مایه‌ها از ۴۰۰ عبارت، جمله یا پاراگراف مضمونی که از مصاحبه‌ها جدا شدند، به دست آمدند.

۱-۳. پیش شرط‌های فرزندآوری

یکی از سؤالاتی که از شرکت‌کنندگان در مصاحبه پرسیده شد، در مورد شرایطی بود که به نظرشان برای ورود به مرحله مادری مورد نیاز است. از نظر پاسخگویان، چهار پیش شرط ضروری برای تصمیم به ورود به مرحله مادری عبارت است از: به اتمام رسیدن تحصیلات زن، داشتن یک خانه مستقل (ملکی و یا رهنی که در این مورد، منظور داشتن پول کافی برای رهن خانه است)، اشتغال همسران آنها با درآمد کافی، داشتن احساس و یا درکی از امنیت اقتصادی و اجتماعی. برای بسیاری از پاسخگویان در این مطالعه، امنیت اقتصادی از طریق داشتن خانه و یک شغل ثابت تا حدود زیادی فراهم می‌شود. این چهار شرط که بخش زیادی از آن به مسائل اقتصادی مربوط است، برای همه پاسخگویان مطرح است. «تا آدم از خودش خونه ندارد، بچه نیاره بهتره هم خونه با مقیاس کوچک‌تر و ارزان‌تر می‌تونیم بگیریم، شما یک سر املاکی زن می‌بینی صاحب خونه‌ها خونه‌ها را بیشتر به زوج می‌دهند تا بچه‌دارها» (دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، ۲۵ ساله).

از نظر بسیاری از پاسخگویان بخش زیادی از مشکلات مالی با یک شغل ثابت برای شوهرانشان و داشتن یک خانه ملکی مرتفع می‌شود. بسیاری از پاسخگویانی که هنوز همسرانشان به یک شغل ثابتی دسترسی نداشتند، بیکاری همسرانشان را بزرگ‌ترین مشکل زندگی خود می‌دانستند. «وقتی ازدواج کردم شوهرم ماه‌های آخر خدمت سربازیش بود خب خیلی امیدوار بودم خودش هم اصلاً فکر نمی‌کرد کار پیدا نکند. همه می‌گفتیم رشته‌اش خوبه صنایع غذایی خونده سربازیش تمام شود، یک جا کار جور می‌شود. الان سه سال است ازدواج کردیم شوهرم هنوز بیکاره». این پاسخگو امیدوار است بعد از اتمام تحصیلاتش شاغل شده و بخشی از هزینه‌های زندگی را تأمین کند و دو سال بعد از کار کردن، برای فرزندآوری اقدام کنند. برای پاسخگویانی که همسرانشان شاغل بودند، داشتن یک خانه ملکی مطرح بود. از نظر آنها بیشترین درآمد خانواده‌هایی که خانه ندارند صرف اجاره منزل می‌شود. برای برخی از پاسخگویان که با کمک خانواده‌هایشان صاحب خانه و یا سرمایه شده بودند، استقلال مالی مطرح بود و نمی‌خواستند از این لحاظ به خانواده‌هایشان متکی باشند و به نظرشان آنها باید روی پای خودشان بایستند.

۲-۳. سازوکار تأثیرگذاری تحصیلات بر زمان فرزندآوری

۱-۲-۳. سال‌های طولانی حضور در دانشگاه

یکی از طرقی که تحصیلات بر زمان فرزندآوری اثر می‌گذارد، طول دوره حضور در دانشگاه است. با توجه به اینکه کامل کردن تحصیلات زنان یکی از دلایل اساسی تأخیر در فرزندآوری و پیش شرط اساسی برای ورود به مرحله مادری است، افزایش سال‌های حضور در دانشگاه، احتمالاً مدت زمان تأخیر در تولد اولین فرزند را افزایش دهد. در ایران طول دوره تحصیلی برای کسانی که در مقطع کارشناسی هستند، به طور متوسط چهار سال است و یک فرد در پایان سال‌های دانشگاه در این مقطع ۲۲ ساله است. برای افرادی که می‌خواهند تحصیلاتشان را تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه دهند، به طور متوسط طول دوره تحصیل در مجموع ۶/۵ سال و سن یک فرد در پایان این دوره ۲۴/۵ سال است. برای آنها که می‌خواهند تا مقطع دکتری ادامه دهند، طول دوره تحصیل متوسط ۱۲ سال خواهد بود و سن فرد در پایان دوره ۳۰/۵ سال خواهد بود. البته این دوره برای کسانی است که به طور ناپیوسته تا مقطع دکتری ادامه می‌دهند. نکته قابل توجه در این زمینه این است که بسیاری از زنان قبل از ورود به دانشگاه در مقاطع مختلف، ازدواج کرده، اما تمایلی به فرزندآوری در حین تحصیل نداشتند. اکثر افراد تصمیم داشتند تحصیلات خود را تمام کنند و بعد وارد مرحله مادری شوند. البته پاسخگویانی که تصمیم داشتند تا بالاترین سطح تحصیلی ادامه دهند و یا در حال حاضر در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند، الزاماً فرزندآوری را به پایان دوره دکتری موکول نکردند و تصمیم داشتند در سال‌های آخر تحصیل برای فرزندآوری اقدام کنند.

«۲۳ ساله بودم ازدواج کردم، منتظر جواب ارشدم بودم هر کس که خواستگاریم می‌اومد می‌گفتم می‌خواهم ادامه بدم. مادر شوهرم همون موقع گفت خوب خونه شوهر هم می‌تونی بخونی. تا اینکه همون سال نامزد کردم. چون خیلی خونده بودم قبول شدم بعد هم دکتری امتحان دادم، الانم سال دوم دکتری هستم، حداقل سه سال دیگر طول می‌کشد. می‌خواهم آزمون جامع دادم پروپوزالم تصویب شد، بچه بیارم، احتمالاً اون موقع ۲۹ سالم باشد (دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، ۲۷ ساله).

۲-۳. ناسازگاری نقش دانشجویی با نقش مادری

یکی دیگر از دلایل تأخیر در فرزندآوری مشکلات مربوط به انجام همزمان نقش دانشجویی و مادری است. به نظر بسیاری از پاسخگویان، ازدواج باعث افت تحصیلی می‌شود و دانشجویان متأهل نمی‌توانند با طیب خاطر تحصیل کنند. آنها به دوستان مجرد خود که زمان بیشتری برای مطالعه و تحقیق دارند، اشاره داشته و به نظر آنها، افراد متأهل وارد روابط خانوادگی می‌شوند که باعث می‌شود پیشرفت تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر آنها، داشتن فرزند در حین تحصیل به مراتب شرایط سخت‌تری را ایجاد می‌کند و استرس و اضطراب، ناتوانی برای برنامه‌ریزی مناسب درسی و ناتوانی برای ایفای مناسب هر دو نقش مادری و دانشجویی از مشکلاتی است که به حتم مادران دانشجو با آنها روبرو هستند. یکی از پاسخگویان که دانشجوی سال سوم زیست‌شناسی است و دو سال از ازدواجش می‌گذرد در این باره می‌گوید: «ما بعضی روزها صبح تا شب آزمایشگاهیم شب که میام باید خونه تمیز کنم، غذا بپزم، الان اگر بچه‌دار شوم یک نوزاد چند ماهه را پیش چه کسی می‌توانم بگذارم، در حالی که باید مدام کنارش باشم، شیر می‌خواهد نگهداری، می‌خواهد» (دانشجوی کارشناسی شیمی، ۲۲ ساله).

تحصیلات نیازمند گذاشتن وقت برای مطالعه، آماده شدن برای امتحان و بنابراین کاهش وقت برای انجام نقش‌های دیگر است. زنان دانشجو تمایل کمتری برای انجام همزمان نقش دانشجویی و مادری دارند. این تأثیر در خانواده‌هایی که تقسیم کار سنتی است و کارهای درون خانه و نگهداری از فرزند بیشتر به عهده آنهاست، بیشتر برجسته می‌شود. بسیاری از پاسخگویان بیشتر کارهای خانه را به تنهایی انجام می‌دادند. البته همسرانشان به آنها کمک می‌کردند، اما از آنجایی که بیرون از خانه مشغول بودند، کمک چندانی ارائه نمی‌دادند و بیشترین بار مسئولیت کارهای خانه به عهده زنان بوده است. با توجه به اینکه زنان دانشجو با کمبود منابع مالی نیز روبرو هستند، ممکن است کمتر بتوانند نقش‌های خود را به دیگران واگذار کنند. برای مثال به کارگیری نیروی کمکی در نگهداری از فرزند یا انجام کارهای خانه کمتر امکان‌پذیر است. بنابراین این تصور که این نقش‌ها باید توسط خود فرد و در کنار درس خواندن انجام گیرد، باعث شده است که زنان ترکیب نقش مادری و دانشجویی را سخت ارزیابی کنند.

۳-۲-۳. افزایش هزینه‌های زندگی دانشجویان

از نظر بسیاری از زنانی که می‌خواهند قبل از داشتن بچه تحصیلاتشان را تمام کنند، بحث مسائل مالی و کمبود منابع مالی اهمیت اساسی دارد. با توجه به اینکه دانشجوی بودن یکی از زوجین با صرف برخی هزینه‌ها همراه است، این گروه با مسائل مالی بیشتری نسبت به سایر زوجین مواجه هستند و علاوه بر هزینه‌های زندگی، هزینه‌های تحصیلی نیز برای آنها مطرح است. این موضوع به‌خصوص برای دانشجویانی که در دانشگاه آزاد تحصیل می‌کردند خیلی برجسته است. یکی از پاسخگویان که در دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می‌کند و همزمان در یک شرکت بازرگانی به‌صورت نیمه‌وقت مشغول به کار است، به هزینه بالای تحصیلی اشاره می‌کند: «من عاشق بچه‌ام، وقتی می‌گم به خاطر پول بچه نمی‌اریم، همه گله می‌کنند که خدا روزی‌رسان است، شما چرا ناشکری می‌کنید. بعضی‌ها به من می‌گن اگر ندارین چرا دانشگاه آزاد می‌ری. من لیسانسو دولتی خوندم، ارشدم هم شهرستان قبول شدم، اما شوهرم نداشت، آزاد اومدم، شاید با مدرک فوقم استخدام بشم. هزینه‌های تحصیل من خیلی سنگینه» (دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، ۲۷ ساله).

چندین دانشجو نظرشان این بود که اگر آنها وضعیت مالی متفاوتی داشتند، تمایل داشتند قبل از تکمیل تحصیلاتشان صاحب فرزند شوند. از نظر آنها، انعطاف ساعت‌های کلاسی و مدیریت زمان برای تحصیل بسیار آسان‌تر از محل کار است. کاهش تعداد واحدهای درسی، امکان کلاس‌های غیرحضوری و مرخصی تحصیلی باعث شده است دانشگاه نسبت به بازار کار به لحاظ زمانی انعطاف بیشتری داشته باشد. «از نظر من دوره دانشگاه خیلی راحت‌تر است نسبت به شغل، شما یک ترم می‌توانی واحدهای کمتری برداری، یا با استادها صحبت کنی کلاس‌ها را غیرحضوری برداری، اما وقتی سرکار بروی دیگر دست خودت نیست، واقعاً مشکل من درس خواندنم نیست، ما خونه نداریم مستأجریم هر چی درمیاره شوهرم باید برای اجاره خونه بدهیم، تازه پول رهن خونه‌مان رو هم پدر شوهرم داده، و گرنه حتی خونه هم نمی‌تونستیم اجاره کنیم» (دانشجوی کارشناسی ارشد آمار، ۲۶ ساله).

۳-۲-۴. فراهمی نقش‌های جایگزین

تحصیلات نه تنها از طریق افزایش سال‌هایی که فرد در دانشگاه حضور دارد، با زمان فرزندآوری می‌تواند مرتبط باشد، بلکه بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، چه رسمی و چه غیررسمی، نیز تأثیر می‌گذارد. زنان تحصیل کرده شناخت بیشتر و تمایل بیشتری به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی سیاسی، فرهنگی و ورزشی دارند. نقش‌های جایگزین مادری بر حسب سطح تحصیلات متفاوت است. فعالیت‌ها و نقش‌هایی که زنان در این مطالعه به طور موقت جایگزین مادری نموده‌اند، طیفی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، هنری، ورزشی و مهارت‌های تکنیکی را شامل می‌شود. دستیابی به شغل و امنیت شغلی، یکی از اهداف اساسی همه افراد است. با این حال همه زنان رسیدن به آن را ممکن ارزیابی نمی‌کنند. بسیاری از زنانی که تحصیلات بالا (در سطح کارشناسی ارشد و دکتری) داشتند و سال‌های زیادی از زندگی خود را به تحصیل مشغول بودند، انتظار دارند هزینه‌های مالی و فرصتی که طی این سال‌ها برای تحصیل صرف کرده‌اند، از طریق اشتغال به دست آورند. این گروه از زنان، دستیابی به انتظارات شغلی و فرصت‌های شغلی را با امکان بیشتر ارزیابی می‌کردند. تحصیل در دانشگاه برای این زنان به عنوان یک سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود و انتظارات آنها برای نقش‌های غیرخانوادگی و تمایل برای نقش‌های شغلی با پرستیژ بالاتر و اشتغال در بخش دولتی، بیش از سایر زنان بوده که ممکن است طی تحصیل در دانشگاه از طریق تعامل با اساتید و دوستان به وجود آمده باشد. بسیاری از زنان تصمیم داشتند با موفقیت، تحصیلات تکمیلی خود را یا به اتمام برسانند یا تحصیل خود را به مرحله‌ای برسانند که در صورت فرزندآوری، حضور کودک مانع تحصیل آنها نباشد. موفقیت آنها در تحصیل می‌تواند زمینه استخدام آنها در بخش‌های دولتی و مهم را ممکن سازد.

زنانی که در مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و بالاتر) تحصیل می‌کردند، شاغل شدن را یکی از اهداف خود می‌دانستند. زنانی که در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کردند، دستیابی به فرصت‌های شغلی را مشکل ارزیابی می‌کردند و تصمیم نداشتند که فرزندآوری را به زمان شاغل شدن یا به دلیل احتمال شاغل شدن در آینده به تأخیر بیندازند. با این حال تصمیم نداشتند به سرعت اولین فرزند خود را به دنیا بیاورند. انواعی از فعالیت‌ها که زنان دانشجو در آنها مشغول هستند، عبارتند از: اشتغال در فعالیت‌های رسمی، غیررسمی و خصوصی، یادگیری کار با رایانه، آموزش زبان‌های خارجی، نقاشی، موسیقی،

گل‌سازی، سفره‌آرایی، شرکت در مهمانی‌ها، جشن‌ها، مراسم مذهبی، انجمن‌ها، تفریح و گردش با دوستان، کوهنوردی و رفتن به باشگاه‌های ورزشی.

بسیاری از پاسخگویان در این مطالعه تمایل زیادی به فعالیت‌های دسته‌جمعی از جمله همکاری با سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، خیریه‌ها، فعالیت‌های ورزشی، تفریحی حضور در باشگاه‌ها دارند و حضور آنها در محیطی مانند دانشگاه باعث شده بود که بتوانند این تشکلهای را ایجاد کنند و فعالیت‌های جمعی و دوره‌ای داشته باشند. «خیلی سرم شلوغ، برای یک شرکتی سه روز در هفته ساعت نه تا چهار بعد از ظهر کار می‌کنم، هفته‌ای دو بار با دوستانم استخر می‌روم، با همسرم عضو انجمن کوهنوردی هم هستیم، ماهی یک بار هم کوهنوردی می‌رویم» (دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، ۲۶ ساله).

۵-۲-۳. یادگیری ایده‌ها و شیوه‌های زندگی جدید

حضور در مدرسه و دانشگاه، باعث شده است که افراد جوان به شبکه اجتماعی گسترده‌تری تعلق داشته باشند که ایده‌ها و شیوه‌های زندگی جدید را به سرعت گسترش می‌دهد. آموزش و تحصیل به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی اشاعه ایده‌های جدید و تغییر نگرش‌ها، می‌تواند با قرار دادن افراد در جریان ایده‌ها و اطلاعات جدید منجر به تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های آنها شود. افراد تحصیل کرده و یا کسانی که مشغول به تحصیل هستند، از طریق قرار گرفتن در نهادهای آموزشی و یا تماس با افرادی نظیر اساتید، دانشجویان، دوستان و... در فرایندی از یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرند و از این طریق مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورها در رابطه با مزایای خانواده‌های جدید و کوچک را دریافت می‌کنند. ایده‌های جدید هنجار و یا فرهنگ جدیدی را ایجاد می‌کند. تحصیلات نگرش افراد در مورد تشکیل خانواده، فرزندآوری و نقش‌های درون خانواده را تغییر داده است. در سال‌های اخیر یکی از شیوه‌های زندگی که در میان افراد جوان به‌خصوص تحصیل کرده در حال گسترش است، زندگی مشترک بدون فرزند، در سال‌های اول ازدواج است. به گونه‌ای که آنها این شیوه زندگی مدرن و فرزندآوری زودرس را سنتی تلقی می‌کنند.

۶-۲-۳. افزایش دانش در مورد کنترل باروری

مصاحبه با زنان نشان داد که استفاده مؤثر از وسایل پیشگیری، به عنوان یکی از عوامل مهم افزایش فاصله ازدواج تا اولین تولد در دوره‌های اخیر است. تحصیلات، دانش افراد را در مورد انواع شیوه‌های مؤثر کنترل باروری افزایش می‌دهد. آگاهی و شناخت در مورد وسایل پیشگیری و در دسترس بودن آنها، بدون شک نقش مؤثری در رفتار باروری دارد و انگیزه تغییر در زمان اولین تولد به وسیله عمومیت استفاده و فراهم بودن وسایل پیشگیری حمایت می‌شود. در مطالعه حاضر مشخص شد که تمام زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، واحد جمعیت و تنظیم خانواده در دانشگاه‌ها را گذرانده‌اند. با توجه به اینکه این کلاس‌ها مباحثی را در مورد اهمیت زمان بارداری و روش‌های مؤثر و مفید برای دوره‌های مختلف حیات باروری زن ارائه می‌دهند، این واحد درسی در کنار کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج، تأثیر بسزایی در آشنایی زنان هم با وسایل پیشگیری مؤثر، و هم منابع، کتاب‌ها و وبسایت‌های مرتبط با این موضوع داشته است. اطلاعات بسیاری از پاسخگویان در مورد انواع روش‌های پیشگیری مناسب بود و حداقل سه و چهار روش را می‌شناختند. بسیاری از آنها کاندوم، روش منقطع و روش اورژانس را به منظور جلوگیری از بارداری به کار بسته بودند.

«من یکی از دغدغه‌هایم روش مؤثر جلوگیری است من با دوستان متأهلم این اطلاعاتمان را با هم به اشتراک می‌گذاریم. در مورد همه روش‌ها مطلب خوندم، خیلی مراقب هستم. حتی یک بار ترسیده بودم رفتم تو اینترنت یک راه حل پیدا کردم توی کتاب تنظیم خانواده که تو خونه دارم کمی در موردش نوشته بود بالاخره تصمیم گرفتم چند تا قرص اچ دی را به فاصله ۱۲ ساعت بخورم تا چند روز حالم بد بود اما خب کارساز بود» (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان خارجه، ۲۵ ساله). این پاسخگو و بسیاری دیگر در مورد روش اورژانس پیشگیری از بارداری مطلع بودند و آن را استفاده کرده بودند. تمامی زنان شرکت کننده در تحقیق در مورد تحقق یافتن تصمیمات باروری مطمئن بودند و به نظرشان آنها در مورد روش‌های مؤثر پیشگیری و شیوه صحیح استفاده مهارت و شناخت بالایی دارند. به همین دلیل خود را در زمینه کنترل باروری افرادی توانمند می‌دانستند. نکته قابل توجه این است که بجز دو نفر، روش پیشگیری اکثریت زنان کاندوم و روش منقطع بود. آنها استفاده از قرص را روش مناسبی نمی‌دانستند و اضافه وزن، سرطان سینه و نازایی

را از عوارض استفاده از قرص قبل از بچه‌دار شدن می‌دانستند. همچنین هیچ کدام از زنان در این مطالعه اعتقادی به سقط جنین نداشتند و نه تنها اعتقادی به آن به‌عنوان روشی برای تنظیم بارداری نداشتند، آن را روشی خطرناک برای زنی که تاکنون فرزند به دنیا نیاورده، تلقی می‌کردند. از نظر آنها سقط جنین، نازایی به دنبال دارد و با توجه به اینکه اکثریت تصمیم داشتند در آینده باردار شوند، سقط را روش مردود و با ریسک بالای نازایی می‌دانستند و در صورت بارداری در دوران تحصیل، تصمیم داشتند فرزند خود را نگه دارند. «من یک بار مطمئن بودم حامله می‌شوم. مجبور شدم چند تا قرص خوردم، خدا رو شکر جواب داد (روش اورژانسی)، همون موقع هم با خودم عهد کردم اگر حامله شدم پذیرمش اصلاً فکر انداختن به سرم نیومد، حالا درسته الان بچه نمی‌خوام، اما دیگه کاری که آخر عاقبتش معلوم نیست را هم انجام نمی‌دم» (دانشجوی سال آخر کارشناسی رشته ادبیات فارسی، ۲۵ ساله).

۷-۲-۳. استقلال در تصمیم‌گیری

یکی دیگر از جنبه‌های تأثیرگذار تحصیلات بر زمان فرزندآوری، مرتبط با تأثیر تحصیلات بر موقعیت زنان است. تحصیلات زنان به افزایش استقلال منجر می‌شود. این استقلال به آنها فرصتی بیشتر برای به تأخیر انداختن ازدواج، افزایش فرصت‌های اشتغال، افزایش توانایی تصمیم‌گیری در امور منزل، استفاده مناسب‌تر از وسایل پیشگیری، تصمیم‌گیری در مورد زمان فرزندآوری و فاصله بین موالید می‌دهد. زنان با تحصیلات بالاتر، استقلال بیشتری به سمت انتخاب همسر دارند و ازدواج ترتیب‌یافته برای این گروه از افراد کمتر است و در تصمیمات باروری آنها کمتر دیگران دخالت دارند. در این مطالعه حق انتخاب و تصمیم‌گیری، یک موضوع کاملاً بدیهی و مشخص برای زنان دانشجو مطرح است. آنها تصمیم‌گیری در مورد زمان مادر شدن و تعداد فرزندان را از حقوق اساسی خود می‌دانستند. از نظر آنها، تمام مسئولیت‌های یک فرزند و به‌ویژه در سال‌های اول زندگی، با مادر است. بنابراین مادر باید در مورد مسئولیتی که قرار است به عهده بگیرد آزادی و حق انتخاب داشته باشد. بسیاری از زنان در این مطالعه بیان داشتند که همسرانشان اجباری برای فرزندآوری ندارند و این تصمیم را به خودشان واگذار کرده‌اند. از نظر پاسخگویی با تحصیلات دکترا که زیر شش سال از ازدواجش می‌گذرد، با

همسرش از طریق یکی از دوستانش آشنا شده است. از نظر او، جایگاه اجتماعی که از طریق تحصیلات به دست آورده، دلیلی بر عدم دخالت و یا عدم تأثیر خانواده بر تصمیمات خصوصی اوست. این پاسخگو در این باره می‌گوید: «همسر من نظرش این است که من هر چقدر هم کمکت کنم، باز خودت باید از بچه نگهداری کنی، بنابراین من نمی‌توانم به بچه آوردن مجبور کنم، هر وقت تو آمادگی را داشتی من هم موافقم» (دانشجوی سال اول دکتری، ۲۸ ساله). یکی دیگر از پاسخگویان در این باره می‌گوید: «خوب این خیلی مشخص است، من می‌خواهم حامله بشم، زایمان کنم، شیر بدهم و مراقبت کنم در مورد زمانش هم من تصمیم می‌گیرم، البته همسر هم همین نظر را دارد. بچه دوست دارد، اما به قول خودش سلامتی جسم و روح من برایش مهم تر است. من در شرایطی نیستم که بتوانم بچه‌داری کنم بنابراین تصمیم ندارم. در آینده شرایطم بهتر می‌شود و دو تا بچه می‌آورم». علاوه بر موارد فوق، تحصیلات باعث شده است که افراد به زمینه‌های ارتقا و رشد شخصیت خود بیندیشند و برای رسیدن به مراحل بالاتر در سطوح تحصیلی، شغلی و جایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر با منزلت بالاتر تلاش کنند. برخی از زنان دانشجو می‌خواهند در زندگی شخصی، اجتماعی و کاری، به درجات عالی برسند، از این رو تحصیلات خود را که یکی از گام‌های اساسی رسیدن به این آرمان است، ادامه داده و فرزندآوری را به زمانی موکول می‌کنند که تا حدودی در مسیر ارتقا و پیشرفت قدم برداشته باشند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بسیاری از مناطق جهان، افزایش سطح تحصیلات زنان، به‌عنوان یکی از دلایل تأخیر در تولد اولین فرزند مطرح شده است. از این رو موضوع اساسی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، سازوکار تأثیرگذاری تحصیلات بر زمان تولد اولین فرزند در بین زنان دانشجو بود. یافته‌های این مقاله بخشی از نتایج یک مطالعه کیفی و مصاحبه عمیق با ۲۵ دانشجوی زن متأهل در تهران در زمینه تصمیمات و رفتارهای باروری است. یافته‌ها نشان داد: اکثر زنان به مادرشدن و فرزندآوری اهمیت زیادی می‌دهند. با این حال شرایط زندگی و تحصیلی آنها باعث شده است که نتوانند در حال حاضر تصمیمی برای فرزندآوری بگیرند. تحصیلات از جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با زمان فرزندآوری ارتباط پیدا می‌کند. از نظر پاسخگویان، چهار پیش شرط ضروری برای تصمیم

به ورود به مرحله مادری عبارت است از: به اتمام رسیدن تحصیلات زن، داشتن یک خانه مستقل (ملکی و یا رهنی که در این مورد منظور داشتن پول کافی برای رهن خانه است)، اشتغال همسران آنها با درآمد کافی، داشتن احساس و یا درکی از امنیت اقتصادی و اجتماعی. زنان دانشجو به دلیل اینکه شاغل نیستند و درآمدی کسب نمی‌کنند، با فقدان منابع مالی روبرو هستند و حتی برای تحصیل در دانشگاه هزینه‌های مالی متعددی نیز باید بپردازند. این یافته در سایر مطالعات نیز نشان داده شده است.

یکی دیگر از دلایل اساسی که زنان دانشجو فرزندآوری تأخیری را انتخاب کرده‌اند، با طول دوره حضور در دانشگاه و مدت زمانی که صرف فعالیت‌های آموزشی می‌شود، مرتبط است. در این مطالعه، زنان دانشجو، زمان قابل توجهی از وقت خود را صرف فعالیت‌های آموزشی و تحقیقی کرده‌اند. مدت زمان بالای حضور در دانشگاه، همراه با ناسازگاری تحصیل و فرزندآوری و مشکلات انجام همزمان نقش دانشجویی و مادری، تأثیر مستقیمی است که تحصیلات بر زمان فرزندآوری داشته است. علاوه بر آن، تحصیلات، منجر به یادگیری ایده‌ها و شیوه‌های جدید زندگی شده است. زنان دانشجو از طریق حضور در دانشگاه و تعامل با دوستان و هم‌کلاسی‌ها، با بسیاری از امکانات آموزشی فرهنگی آشنا شده‌اند. آنها با دسترسی گسترده به انواعی از شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ارتباطی، در معرض ایده‌ها و الگوهای رفتارهای نوین قرار می‌گیرند. این موضوع در مطالعه حاضر که زنان دانشجو را در بر می‌گیرد، با توجه به اینکه اکثریت شاغل نیستند و وقت بیشتری برای حضور در مجامع مختلف و فعالیت‌های اجتماعی دارند، صدق می‌کند. فراهمی نقش‌های جایگزین یکی از موردهایی است که زنان دانشجو در نبود فرزندآوری به آن تمرکز و توجه دارند. در میان زنان دانشجویی که در بالاترین سطح تحصیلات دانشگاهی تحصیل می‌کنند، تحصیلات از طریق افزایش فرصت‌های شغلی و ایجاد چشم‌انداز مساعد برای دستیابی به ورود به بازار کار، منجر به تأخیر در فرزندآوری شده است. اما افزایش سطح تحصیلات برای همه زنان ترجمان مشارکت بیشتر در بازار کار نیست. بر اساس یافته‌های مطالعه، در نتیجه مشارکت پایین زنان در بازار کار و محدودیت تنوع شغلی آنان، همه زنان با تحصیلات دانشگاهی در بازار کار مشغول نبودند و الزاماً تحصیلات به دلیل فواید اقتصادی که می‌تواند داشته باشد، باعث تأخیر در تولد اول نبوده است. البته تحصیلات توانسته امکان شناسایی، تمایل و ورود افراد به سایر نقش‌ها و

فعالیت‌ها را افزایش دهد. در این مطالعه، علاوه بر اشتغال زنان در بخش‌های دولتی یا خصوصی (به صورت دائم یا پاره‌وقت)، سایر فعالیت‌هایی که زنان بدون فرزند با تحصیلات دانشگاهی به آنها مشغول بودند، طیفی از انواع فعالیت‌های اجتماعی، هنری، ورزشی و مهارت‌های تکنیکی را شامل می‌شود.

بر اساس نتایج این مطالعه، دانشجو بودن و تحصیلات، همراه با هزینه‌های مالی برای شرکت‌کنندگان بوده است و زنان دانشجو به دلیل نداشتن درآمد، هنوز به لحاظ اقتصادی، استقلال چندانی ندارند. اما با افزایش سطح تحصیلات و حضور زنان در محیط دانشگاه، از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در محیط خانواده برخوردار شده و توانسته‌اند در مورد رفتارهای پیشگیری از بارداری و زمان‌بندی فرزندآوری اظهار نظر و تصمیم‌گیری کنند. در سایر مطالعاتی که در ایران انجام شده، به تأثیر تحصیلات بر استقلال زنان اشاره شده است. بهبود موقعیت زنان از طریق افزایش سطح تحصیلات منجر به افزایش استقلال تصمیم‌گیری شده و زنان با تحصیلات بالاتر از استقلال تصمیم‌گیری بیشتری نسبت به سایر زنان برخوردار شده‌اند (عباسی شوازی و مندگاری ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و خواجه صالحانی ۱۳۹۲).

نتیجه کلی مقاله این است که زنان دانشجو به دلیل مشکلات انجام همزمان نقش دانشجویی و مادری و مسائل مالی و اقتصادی که در ابتدای ازدواج با آنها مواجه هستند و همچنین با اتکا به ارتقای دانش و توانمندی در زمینه تنظیم باروری و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در محیط خانواده که از طریق افزایش سطح تحصیلات و حضور در محیط دانشگاه به دست می‌آورند، فرزندآوری را با تأخیر آغاز می‌کنند. بدیهی است که تأخیر در فرزندآوری در این گروه از زنان، سهم بسزایی در کاهش باروری مقطعی ایران دارد. ایجاد زمینه‌ای برای هماهنگی اشتغال و فرزندآوری و یا تحصیل و فرزندآوری یکی از اقدامات مهمی است که می‌تواند تأثیر عمده‌ای در جهت برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های جمعیتی، داشته باشد. یک جنبه دیگر اثر کاهشی تأخیر فرزندآوری، ناشی از پیامدهای بیولوژیکی است. مورگان و هیگن (۲۰۰۵: ۶). توضیح می‌دهند که با افزایش سن، قدرت باروری زن کاهش می‌یابد. تأخیر در باروری به اواخر دهه بیست سالگی، هشت تا ده درصد ناباروری را موجب می‌شود (Schroder-Butterfill & Kreager, 2005:21). مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته نیز نشان داده است که ۱۰ درصد از کسانی که در اوایل ۳۰ سالگی ازدواج

می‌کنند، بی‌فرزند باقی می‌مانند (Rowland, 2007: 1322). با توجه به روند رو به افزایش نسبت زنان ایرانی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، تأخیر در تولد اولین فرزند ممکن است افزایش یابد. از طرف دیگر همسو با سایر تحقیقات (حسینی و بگی، ۱۳۹۱؛ کاظمی‌پور ۱۳۹۳؛ عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳؛ رازقی نصرآباد و میرزایی ۱۳۹۱)، یافته‌ها نشان داد: تصمیم برای بی‌فرزند ماندن کمتر نمود دارد و اکثریت افراد تمایل به فرزندآوری و داشتن دو فرزند دارند.

طبق نتایج این مطالعه و مرور سایر مطالعات (رازقی نصرآباد، ۱۳۹۳)، ناامنی اقتصادی و شغلی، موانع ترکیب کار با فرزندآوری، نگرانی از ریسک‌های اجتماعی و نااطمینانی اقتصادی - اجتماعی، تلاش خانواده‌ها برای ساختن زندگی بهتر با اهمیت دادن به تحصیلات و اشتغال زنان از مسائل و جنبه‌های زندگی زوجین امروزی است. سازوکار غلبه بر این مشکلات تأخیر در فرزندآوری، افزایش فاصله بین فرزندان و به طبع کاهش تعداد فرزندان بوده است. از این رو می‌توان استنباط کرد که مسئله امروز باروری در ایران به تأخیر انداختن فرزندآوری است، تأخیر باروری به امید اینکه در آینده شرایط بهتری فراهم می‌شود و این تأخیر جبران می‌شود و فرزندان بیشتری در آینده به دنیا می‌آیند. باید توجه داشت که جبران این تأخیر و افزایش باروری نسلی در آینده، بستگی به وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه دارد که افراد را به داشتن فرزندان اول، دوم و حتی سوم تشویق کند. در سطح کلان، دولت و نهادهای اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. به نظر می‌رسد تأکید زیاد دولت بر سیاست‌های نقدی در راستای افزایش باروری جذابیت کمتری برای زنان امروز جامعه ایرانی که اکنون اکثریت تحصیل کرده و احتمالاً در آینده شاغل هستند، داشته باشد. در مقابل تأمین امنیت شغلی برای جوانان در کشور، حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم برای کاهش هزینه فرزند و فرزندآوری، هزینه آموزش و تحصیلات فرزندان، می‌تواند در کاهش ناامنی اقتصادی و هزینه‌های فرزندآوری مؤثر باشد. فرهنگ‌سازی و اشاعه ارزش‌های مثبت در مورد تشکیل خانواده و فرزندآوری، بر تمایل جوانان به تشکیل خانواده مؤثر خواهد بود. توجه به سیاست‌های خانواده‌محور، تشویق دولت برای مشارکت مردان در کارهای خانه و نگهداری فرزند و حمایت از مراکز مراقبت و نگهداری رسمی از کودکان در محل کار، موانع ترکیب کار و فرزندآوری را کاهش داده و تمایل زنان شاغل و تحصیل کرده را به کاهش فاصله بین موالید و افزایش تعداد فرزندان ارتقا می‌بخشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱). «فرهنگ و باروری، بررسی تمایلات باروری زنان کرد در شهرستان مهاباد»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸: ۱۶۱-۱۲۱.
۲. رازقی نصرآباد، حجه بی بی (۱۳۹۳). طرح مروری بر مطالعات مرتبط با باروری پایین در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
۳. رازقی نصرآباد، حجه بی بی و محمد میرزایی (۱۳۹۱). «شکاف موجود بین شمار فرزندان موجود و ایده آل در استان‌های منتخب سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال هفتم، شماره ۱۳.
۴. عباسی شوازی، محمد جلال و حجه بی بی رازقی نصرآباد (۱۳۸۹). «الگوها و عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۴، شماره ۹.
۵. عباسی شوازی، محمد جلال و زهره خواجه صالحی (۱۳۹۲). «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی، و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، زن در توسعه و سیاست دوره ۱۱، شماره ۱: ۶۴-۴۵.
۶. عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی مندگاری (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۱: ۵۱-۳۲.
۷. عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاووشی، پتر مکدونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران، تهران: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.
۸. کاظمی پور، شهلا (۱۳۹۳). بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله نسبت به فرزندآوری، پژوهشکده آمار.
۹. لوکاس دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. ویکس، جان (۱۳۸۵). جمعیت مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه الهه میرزایی، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

ب) منابع لاتین

1. Abbasi-Shavazi, M. J. , McDonald, P. & M. Hosseini Chavoshi (2009b). "Family Change and Continuity in Iran: Birth Control Use before First Pregnancy", Journal of Marriage Family, 71 (5): 1309-1324.
2. Abbasi-Shavazi, M. J. , McDonald, P. & M. Hosseini Chavoshi (2009a). The Fertility Transition in Iran: Revelation and Reproduction, Springer.
3. Edwards, M. E. (2002). "Education and Occupations: Reexamining the Conventional Wisdom about Later First Births among American Mothers",

- Sociological Forum 17: 423-43.
4. Giles, D. C. & Shaw, R. L. and William Morgan (2009). "Representations of Voluntary Childlessness in the UK Press, 1990_2008", *Journal of Health Psychology*, 14: 1218- 1228.
 5. Hirschman, C. (1985). "Pre, Premarital Socioeconomic Roles and the Timing of Family formation: A Comparative Study of five Asian Societies", *Demography*, 22: 35-60.
 6. Hoem, J. M. (1986). "The Impact of Education On Modern Family-union Initiation", *European Journal of Population* 2: 113-133.
 7. Hoem, J. M., Neyer, G. and Andersson, G. (2006). "Education and Childlessness: The Relationship Between Educational Field, Educational Level and Childlessness Among Swedish Women Born in 1955-59", *Demographic Research*, 14 (15): 331-380.
 8. Hosseini Chavoshi, M, Abbasi-Shavazi, M. J. , McDonald, P. (2013). "Tempo and Quantum of Fertility in Iran: An Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method", Paper presented at International Population Conference, 26-31 August, Busan, Korea.
 9. Kravdal, O. (1994). "The Importance of Economic Potential and Economic Resources for the Timing of First Birth in Norway", *Population Studies*, 48: 249-268.
 10. Martin, T.C. and F, Juarez (1995). "The Impact of Women's Education on Fertility in Latin America: Searching For Explanations", *International Family Planning Perspectives*, Volume 21(2): 52-80.
 11. Morgan, S. P. and Hagewen, K. (2005). Is Very Low Fertility Inevitable In America? In Alan Booth and Ann C. Crouter (Eds.). *A New Population Problem: Why Families in Developed Countries are Shrinking and What It Means*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
 12. Osborne, J. (1994). "Some Similarities and Differences among Phenomenological and other Methods of Qualitative Research", *Canadian Journal of Counselling* (24): 79-91.
 13. Rao, K. V. (1987). "Childlessness in Ontario and Quebec: Results from 1971 and 1981 Census Data", *Canadian Studies in Population*, Vol. 14 (1): 27-46.
 14. Rindfuss R.R., Morgan S.P. (1983). "Marriage, Sex, and the First Birth Interval: The Quiet Revolution in Asia", *Population and Development Review*, 9: 259-278.
 15. Rowland, D. T. (2007). "Historical Trends in Childlessness," *Journal of Family Issues* 28: 1311-1337.
 16. Schroder-Butterfill, E. Kreager, Ph. (2005). "Actual and De Facto Childlessness in Old Age", *Indonesia Population and Development Review*, Vol. 31: 19-55.
 17. Simpson, R. (2009). *Delayed Childbearing and Childlessness*, IN: J. Stillwell et

- al. (eds.) Fertility, Living Arrangements, Care and Mobility, Understanding Population Trends and Processes, Springer Science+Business Media B. V.
18. Torabi, F. and A Baschieri (2010). "Ethnic Differences In Transition To First Marriage in Iran: The Role of Marriage Market, Womens Socio-economic Status, and Process of Development", Demographic Research, (22): 2.
19. Van Manen, M. (1984). "Practicing Phenomenological Writing", Phenomenology Pedagogy, 2 (1).